

## نوگرایی در اندیشه‌های اسماعیل گاسپرینسکی و

### تأثیرهای آن بر مسلمانان روسیه

جهانگیر کرمی\*

دانشیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

کلثوم عابدی

کارشناسی ارشد تاریخ آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۱۹)

#### چکیده

در سده نوزدهم میلادی که کشورهای اروپایی با سرعت درحال ترقی و پیشرفت بودند، روسیه نیز که مناطق گسترده‌ای از آسیای مرکزی و قفقاز را ضمیمه خاک خود کرده و به یک امپراتوری گسترده تبدیل شده بود برای پیوستن به شمار این کشورها تلاش می‌کرد. در این دوره، در سراسر جهان اسلام یک سیر نخواستاری و اصلاح‌طلبی به راه افتاده بود که مسلمانان زیر سلطه امپراتوری روسیه تزاری نیز که زیر انواع فشارهای استیلاگرایانه و نیز جریان روسی‌سازی و مسیحی‌گردانی قرار داشتند متأثر از این جو نوظهور برای نو شدن حیات اجتماعی‌شان به تکاپو برانگیخته شدند. اسماعیل بیک گاسپرینسکی (۱۸۵۱-۱۹۱۴) از اندیشمندان متفکر مسلمان روسیه بود که جنبش‌های جدید جاری در روسیه را از نزدیک می‌دید و تحت تأثیر این جنبش‌ها و همچنین ارتباط و آگاهی از تحولاتی که نوشدگی در حیطه اروپاییان ایجاد کرده بود و با آگاهی از عقب‌ماندگی مسلمانان از سایر دنیا تلاش می‌کرد تا با ایده‌های اصلاحی خود، راه‌حلی برای نجات و حفظ هویت ملی و دینی و نوسازی جامعه مسلمانان ارائه دهد. پرسش اصلی این نوشتار این است که اندیشه‌های گاسپرینسکی چه مؤلفه‌های مهمی داشت و بر حیات مسلمانان روسیه چه تأثیری گذاشته است؟ در این نوشتار نشان داده می‌شود که گاسپرینسکی با اقدام‌های نوگرایانه چون چاپ نشریه و ارائه اصول جدید آموزشی و ایجاد مدرسه‌های نوین به سبک اروپا و برگزاری کنگره‌های مسلمانان روسیه، توانست راه را برای مسلمانان نوگرای روسیه هموار کند و به‌نوعی سبب ایجاد جنبشی به‌نام جدیدی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی شد.

#### کلیدواژه‌ها

اسماعیل گاسپرینسکی، اندیشه، جدیدی، مسلمانان روسیه، نوگرایی.

\* E-mail: jkarami@ut.ac.ir

## مقدمه

اسلام در نخستین سده پیدایش خود وارد مناطق شمالی ایران از قفقاز تا فرارود شد و از این راه به مناطق جنوبی روسیه و در سده‌های بعد تا ولگای مرکزی گسترش یافت و حتی در سده‌های دوازدهم تا پانزدهم حاکمیت تاتارهای مسلمان بر نظام‌های اداری و سیاسی روسیه حاکم شد. از سده شانزدهم و با شکست تاتارها، قلمروی امپراتوری تزار به تدریج تا هشترخان و قفقاز شمالی و آسیای مرکزی کشیده شد و این گسترش جویی در سده نوزدهم تا مرزهای کنونی ایران ادامه یافت و موضوع حضور و جایگاه مسلمانان در قلمروی مسیحیان ارتدکس به یک دغدغه فکری مهم برای اندیشه‌گران مسلمان تبدیل شد. اما از زمان پترکیبر جریان غربی‌سازی روسیه از بالا شکل گرفت که هدف آن واردکردن روسیه در کانون قدرت‌های بزرگ اروپایی بود. از پیامدهای این امر ظهور نگرش استعماری دولت تزاری روسیه نسبت به قومیت‌های زیر سلطه بود؛ بنابراین رابطه مالک و رعیتی پیشین و جهه استعماری به خود گرفت. در پی این مسئله، مقام‌های دولت مرکزی روسیه نسبت به اسلام و مسلمانان رفتار بدی را در پیش گرفتند و با اسلام همانند دین پست‌تر برخورد می‌کردند. این نگرش دولت روسیه با گرایش اجباری مسلمانان به مسیحیت، تعطیل یا انهدام مدرسه‌ها و مسجدها و دیگر مکان‌های مذهبی اسلامی و تصرف موقوفات دینی همراه بود. در دوران کاترین دوم در سده هجدهم، روسیه همچنان در پی گسترش قلمروی خود بود و به دریای سیاه راه یافت و تلاش کرد تا قدرت‌ش را در شرق تثبیت کند. در پی جنگ‌های متعدد با ایران و عثمانی توانست بر بخش‌های مختلفی از قفقاز و آسیای مرکزی دست یابد و بسیاری از مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی مجبور به مهاجرت به کوهستان شدند. بسیاری در رویارویی با روس‌ها مقاومت کردند و برخی از اقوام مسلمان نیز به مسیحیت ارتدکس گرویدند.

روسیه پس از تسلط کامل بر منطقه، کوشید تا سیاست‌های خود نسبت به مسلمانان را تعدیل کند. برخورد کاترین دوم و سیاست‌های وی نسبت به مسلمانان سبب ایجاد موقعیت و زمینه مناسب برای حیات مذهبی مسلمانان شد. در اواخر سده نوزدهم، یک چهارم جمعیت امپراتوری پهناور روسیه را مسلمانان تشکیل می‌دادند. در سده‌های نوزدهم و بیستم با توجه به پیشرفت غرب و رشد نوگرایی، در حیات اروپاییان تحولات عمیقی رخ داد که آنان را از دنیا جلو انداخت. در این زمان مسلمانان نیز از خواب غفلت بیدار شدند و به عقب‌ماندگی خود از دنیا پی بردند؛ بنابراین در گوشه و کنار جهان اسلام از جمله در ایران و عثمانی و سایر مناطق، مسلمانان به فکر افتادند که جامعه خود را رشد دهند. در میان مسلمانان زیر سلطه روسیه هم، متفکرانی ظهور کردند که در پی نجات جامعه خود برآمدند و تلاش کردند تا برای رهایی از تاریک‌اندیشی دینی و سلطه روس‌ها چاره‌ای بیندیشند. اسماعیل گاسپرینسکی یکی از این

متفکران مسلمان و ترک بود که با آگاهی از عقب‌ماندگی جامعه مسلمانان و آشنایی با نوشدگی غربی، تلاش کرد تا یک‌سری اصول اصلاحی را ارائه دهد تا با کمک آن‌ها در کالبد بی‌جان جامعه‌اش روح تازه‌ای بدمد.

پرسش اصلی این نوشتار آن است که اندیشه‌های اسماعیل گاسپرینسکی چه بود و چه تأثیری بر مسلمانان روسیه نهاد؟ برای پاسخ به این پرسش باید به پرسش‌های فرعی‌تری جواب داد از جمله اینکه شرایط مسلمانان روسیه در سده نوزدهم و بسترهای پیدایش نوگرایی در میان آن‌ها چگونه بود؟ اسماعیل گاسپرینسکی که بود؟ و چه اندیشه‌هایی داشت؟ و پیامدهای اندیشه‌های او برای مسلمانان چه بود؟ اسماعیل گاسپرینسکی (۱۸۵۱-۱۹۱۴) از اندیشمندان مسلمان در قفقاز بود که تحت سلطه روسیه زندگی می‌کرد در زمان حیات وی مسلمانان روسیه زیر فشارهای روسی‌سازی و مسیحی‌گردانی، در حال نابودی بودند. بسیاری از آن‌ها رو به مهاجرت نهاده بودند و بسیاری مجبور به ترک دین خود شدند. در چنین شرایطی گاسپرینسکی با ارائه یک‌سری اصول اصلاحی و استفاده از اقدام‌های نوگرایانه‌ای چون چاپ نشریه و ارائه اصول جدید آموزشی و ایجاد مدرسه‌های نوین به سبک اروپا و برگزاری کنگره‌های مسلمانان روسیه، توانست بر نوگرایی حیات فرهنگی و سیاسی مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی تأثیرات زیادی بگذارد. بسیاری وی را سردمدار جنبش جدیدی در میان مسلمانان زیر سلطه روسیه می‌دانستند. برای بررسی این موضوع نخست به شرایط مسلمانان روسیه در سده نوزدهم و بسترهای پیدایش نوگرایی در میان آنان نگاهی می‌اندازیم، سپس زندگی و زمانه اسماعیل گاسپرینسکی، اندیشه‌های گاسپرینسکی و سرانجام پیامدهای اندیشه‌های گاسپرینسکی بر مسلمانان را بررسی می‌کنیم.

### پدیده نوگرایی و مسلمانان روسیه

نوگرایی در اندیشه مسلمانان منطقه به جدیدی یا جدیدیه موسوم است و جدیدی نه تنها به مسائل تاریخی و فرهنگی بلکه به عصر جدید نیز گفته می‌شود. برخی از سیاستمداران تلاش می‌کنند تا جدیدی را برابر با اسلام اروپایی بدانند. رافائل حکیم‌اف، مشاور دولتی امور سیاسی رئیس‌جمهور تاتارستان، پیرو و تبلیغ‌کننده اصلی این اندیشه است. جدیدی جنبش اصلاحات در میان روشنفکران مسلمان در روسیه و آسیای مرکزی بود که بیشتر در میان ازبک‌ها و تاجیک‌ها و سایر اقوام مسلمان منطقه در مورد پذیرش نظام مدرسه‌های نوین به‌جای مکتب‌خانه‌های قدیمی و تغییر متون و موضوع‌های درس‌های گفته می‌شد. در واقع به‌جای نظام فرهنگی و آموزشی محافظه‌کار و سنتی پیشین در شهرهای منطقه از اواخر سده نوزدهم و پس از تسلط روس‌ها نسل جوان‌تر کوشیدند تا اصلاحاتی اساسی را در نظام‌های کهن ایجاد کنند. این موضوع در ابتدا امر آسانی نبود؛ بلکه به شکاف نسلی و نگاه متفاوت به آینده منجر

شد (Encyclopedia Iranica, 2008). در «دائرةالمعارف تاتاری»، جدیدی به‌عنوان «نهضت اجتماعی و سیاسی در راه نوسازی جنبه‌های مختلف زندگی جامعه» در میان تاتارها و برخی اقوام ترک زبان دیگر تعریف شده است. ولی این تعریف را باید به مرحله متأخر یعنی اوایل سده بیستم گفت که اصطلاح «جدیدی» تعبیر گسترده تری پیدا کرد. «اصول جدید» به معنی شیوه جدید تدریس در مدرسه‌های تاتاری بود که از سال ۱۸۸۰ رواج معینی یافته بود. از همان زمان اصطلاح «جدیدی» با «نوسازی» مترادف شد.

آیدر یوزف، دکترای فلسفه در زمینه اندیشه مذهبی و فلسفی نیمه دوم سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم، پژوهش‌های ژرفی در مورد جدیدی دارد. از نظر او نباید جدیدی را با اصلاح‌طلبی مذهبی یکسان دانست. جدیدی به معنی اصلاحات آموزشی است که یکی از هدف‌های اصلی آن، آشناساختن مسلمانان با فرهنگ و علم اروپایی بود. به هر حال سده‌های هجدهم و نوزدهم، سده‌های نوشدگی و پیشرفت‌های تکنولوژی در اروپا و عصر پیدایش اندیشه‌ها و ایده‌های مختلف و متفاوت و حتی متضاد در جهان بود. در این زمان انقلاب صنعتی در پیدایش تحولات اجتماعی تأثیر زیادی گذاشت. در اروپا مکاتب مختلفی چون افراط‌گرایی، ملی‌گرایی، مارکس‌گرایی سوسیالیسم و کمونیسم ظهور کردند. اصلاحات دوره سلطنت کاترین دوم (۱۷۹۶-۱۷۶۲) و کاسته‌شدن نسبی فشار استیلاگرانه روسیه، به رشد سرمایه‌داری در منطقه ولگا- اورال کمک کرد. با گسترش تجارت و صنعت در این سرزمین، ضمن تقویت بورژوازی، طبقه‌ای متوسط نیز پدید آمد که جناح‌های روشنفکر آن سازندگان تحولات جدید بودند. مسلمانان از زمان تسلط روسیه در سال ۱۷۸۳ بر آنجا، زیر انواع فشارهای استیلاگرانه قرار داشتند (در طول حدود یک سده بیش از یک میلیون نفر از آنان به مهاجرت به عثمانی مجبور شده بودند و بسیاری از مسجدها و مدرسه‌هایشان تخریب شده بود) و جریان روسی‌سازی و مسیحی‌کردن مردم در منطقه به‌شدت اجرا می‌شد. می‌توان گفت: جامعه مسلمانان و تاتارهای کریمه در سده نوزدهم به‌صورتی نظام‌مند از سوی امپراتوری روسیه در حال نابودی بود (بنیگسن و براکس‌آپ، ۱۳۷۰: ۱۳۵-۱۲۸). این فشارها، خواه‌ناخواه واکنش‌هایی را در پی داشت. در چنین اوضاعی بود که یک واکنش قوی شکل گرفت و جنبش اصلاح‌طلبی نتیجه مستقیم آن بود که از لزوم نگرشی نو به زندگی و دین و جامعه طرفداری می‌کرد. این جنبش با هدف اصلاح و نوسازی شیوه زندگی اسلامی در میان رعایای مسلمان روسیه، ظهور کرد و با یک بخش بسیار کوچک طبقه روشنفکر آغاز شد که با زندگی غربی آشنایی داشتند. مسلمانان برای آنکه بتوانند به حیات خود ادامه دهند باید میان اسلام و نوشدگی رابطه دوستانه برقرار می‌کردند. آنان ناگزیر، پیشرفت عمومی و قدرت ملت‌های مسیحی غربی و شرایط رو به نابودی زندگی مسلمانان در روسیه و جاهای دیگر را مقایسه می‌کردند و خواستار تحول در زندگی مسلمانان و تطبیق آن با دنیای جدید شدند. تاتارهای

حوزه ولگا با مرکزیت قازان از نظر اقتصادی و فرهنگی پیشرفته‌تر از سایر مسلمانان زیر سلطه روسیه بودند و همین امر زمینه‌ساز پیشاهنگی آن‌ها در جریان نوحواهی بود (رئیس‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۵۷-۷۴۰).

در نظام آموزشی قدیمی در منطقه، آموزش بیشتر در مسجدها صورت می‌گرفت. در روستاها، یک ملا به پسران درس می‌داد و همسرش آموزش دختران را برعهده داشت. در مسجدهای بزرگ‌تر مکاتب اولیه مذهبی افتتاح می‌شدند. همچنین مدرسه‌های متوسط و عالی روحانی وجود داشتند. در این مدرسه‌ها متون مقدس به زبان عربی را حفظ و به زبان تاتاری تعبیر و تفسیر می‌کردند. برنامه درسی این مدرسه‌ها تقریباً از رشته‌های غیرمذهبی بی‌بهره بود. به‌صورت طبیعی فرایض دینی هم در این مدرسه‌ها تدریس می‌شد (Kaldybekovich, 2013: 86).

مبارزه بین طرفداران روش‌های قدیمی و جدید آموزشی بر سر برنامه‌ها و شیوه‌های تدریس صورت گرفته بود. اصلاح‌طلبان در شهرهای بزرگ موفق شده بودند؛ درحالی‌که محافظه‌کاران در مناطق روستایی حمایت بیشتری به‌دست آورده بودند. برای نمونه، در منطقه نیژنی نوگورود که تاتارهای این منطقه در مسکو هم زندگی می‌کنند، از نزدیک به پنجاه مدرسه اسلامی اوایل سده بیستم، تنها شش مدرسه به اصلاح‌طلبان گرایش داشتند. باید افزود که دولت تزاری نیز از گسترش اصلاحات جلوگیری کرد و نگران گسترش اندیشه‌های روشنگرانه و اصلاح‌طلبانه در میان جمعیت تاتاری بود. با وجود این، تعداد پیروان اصول جدید، پیوسته درحال رشد بود و از سال‌های ۱۸۹۰ نهضت «جدیدی» در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی نیز گسترش پیدا کرد. به تدریج، بانیان اندیشه‌های جنبش جدیدی از حدود نظام آموزشی پا فراتر گذاشتند.

در چنین زمانه‌ای بود که گاسپرینسکی جنبش‌های جدید جاری در روسیه را از نزدیک مشاهده می‌کرد و تحت تأثیر این جنبش‌ها علاقه زیادی به نوگرایی در درون وی شکل گرفت. وی با پیروی از انقلابی که نوشدگی در حیات اروپاییان ایجاد کرده بود راه‌هایی مسلمانان روسیه را در نوشتن حیات اجتماعی ایشان می‌دید. او یگانه راه تحقق این مسئله را در آموزش نوین و مدرسه‌ها جدید بیان می‌کرد. گاسپرینسکی در نخستین گام، برای رهایی جامعه تاتارهای مسلمان کریمه از استعمار روس، آمیزه‌ای از اصول اسلام، نوگرایی و ملی‌گرایی را پدید آورد و آن را به انضمام سنت، برای تحرک‌بخشیدن به روشنفکری کریمه به‌کار برد. در این میان نظریه‌هایش، افزون بر مسلمانان روسیه، روشنفکران عثمانی را نیز کم‌وبیش تحت تأثیر قرار داد. وی برای طرح و ترویج افکار و نظریه‌های خویش، اندکی پس از انتصاب به

شهرداری، به نشر روزنامه ترجمان<sup>۱</sup> به زبان تاتاری و روسی اقدام کرد. با انتشار این روزنامه پرتیراژ با شعار «اتحاد در زبان و اندیشه و عمل» که از تاتارستان تا قفقاز و آسیای مرکزی و عثمانی و مصر و هندوستان خواننده داشت، کوشید تا زبان مشترکی برای ترک‌زبانان باهدف متحدکردن آن‌ها پدید آورد. به عقیده وی: «بدون یک زبان ملی، پیشرفتی وجود نخواهد داشت؛ زیرا یک زبان ملی، یک زبان ادبی مشترک، بنیادی‌ترین و لازم‌ترین وسیله و منبع پیشرفت آموزش، ادبیات، دین و امیدهای ملی است» (Gasprinskii, 1903: 132).

### زندگی و زمانه اسماعیل گاسپرینسکی

اسماعیل بیک گاسپرینسکی<sup>۲</sup> (۱۸۵۱-۱۹۱۴) از مهم‌ترین اندیشمندان و متفکران مسلمان سده نوزدهم است که در ۸ مارس ۱۸۵۱ در روستای آوچی‌کوی<sup>۳</sup> (به معنی دره شکارچیان) به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی‌اش را در مکتب‌خانه شهر باغچه‌سرای آغاز کرد. پس از آن وارد دبیرستان نظامی شهر وارونژ<sup>۴</sup> شد و از آنجا به دانشکده افسری شهر مسکو راه یافت. در آنجا با بسیاری از اهل قلم رابطه‌ای دوستانه برقرار کرد و تحت تأثیر اندیشه‌های آنان با مفاهیمی چون ملی‌گرایی و لیبرالیسم آشنا شد (Togan, 1991: 979-981). وی در روسیه در معرض اندیشه‌های پان‌اسلاوی و ملی‌گرایی روس قرار گرفت؛ بنابراین تصمیم گرفت به صورت غیرقانونی مسکو را ترک کند. پس راهی عثمانی شد؛ اما پلیس روسیه او را به جرم تلاش برای ترک کشور بدون داشتن گذرنامه دستگیر کرد و به خانواده‌اش در باغچه‌سرای تحویل داد (Bowman, 2014). وی در سال ۱۸۷۲ برای فراگیری زبان فرانسه به پاریس رفت و در آنجا با ایوان تورگنیف<sup>۵</sup>، نویسنده روس، آشنا و به سمت منشی وی به کار مشغول شد. بعد از آن در سال ۱۸۷۴ راهی استانبول شد و برای ورود به دانشگاه حریبه ترکیه درخواست داد؛ اما درخواستش پس از یک سال رد شد و گاسپرینسکی به کریمه بازگشت و چهار سال شهردار باغچه‌سرای بود (Bowman, 2014).

گاسپرینسکی در سال ۱۸۸۳ موفق شد که مجوز انتشار روزنامه‌ای دوزبانه به روسی و ترکی، به نام ترجمان را از وزارت امور داخله روسیه دریافت کند. این روزنامه، نخستین بار در آوریل ۱۸۸۳ در صدمین سال‌روز پیوستن کریمه به روسیه، در دو صفحه منتشر شد. نشریه ترجمان، ابتدا هفتگی منتشر می‌شد، از سال ۱۹۰۳ دو یا سه بار در هفته و از سال ۱۹۱۲ به بعد به‌عنوان یک روزنامه تا زمان بسته شدن آن در سال ۱۹۱۸ هر روز منتشر می‌شد (Lazzerini,

1. Perevodchik/Tercüman
2. Ismail Bey Gasprinskii
3. Avchiköy
4. Varonezh
5. Ivan Turgeniev

مطالب هر شماره روزنامه، نخست برای بررسی به پترزبورگ فرستاده می‌شد و پس از تأیید، چاپ می‌شد. از سپتامبر ۱۸۸۴ وظیفه بررسی و ممیزی آن به الیاس ایلچ، کاردار روسیه در قفقاز، سپرده شد که تا انقلاب ۱۹۰۵ این وظیفه را داشت. گاسپرینسکی، افکار و اندیشه‌های خود را بسیار سنجیده و محتاطانه در روزنامه‌اش بازتاب می‌داد و برای در امان ماندن از ممیزی، در بیان پوشیده افکار و هدف‌هایش تلاش می‌کرد. وی برای مسئله آموزش با روش نوین اهمیت بسیاری قائل بود، از این رو در کنار انتشار روزنامه ترجمان در سال ۱۸۸۴ با کمک یکی از دوستان معلمش، نخستین مدرسه با ساختار آموزش نوین را در باغچه سرای تأسیس کرد.

اسماعیل بیگ پس از انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه، حزب اسلامی خلق را تأسیس و به همراه چهل تن از اعضای این حزب به دوما روسیه وارد شد. وی با همراهی این حزب توانست در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ کنگره مسلمانان روسیه را برگزار کند. شعار مشهور گاسپرینسکی: «زبان واحد، اندیشه واحد، عمل واحد» بود<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۱۱ به بخشی از شعار ترجمان تبدیل شد. او روابط نزدیکی را با گروه‌های روشنفکر ملی‌گرا در استانبول ایجاد کرد و برای نشریات مختلف ترکیه مطلب می‌نوشت. وی همچنین در میان هیئت مؤسس «انجمن ترک»<sup>۲</sup> قرار گرفت و در انتشار مجله این انجمن به نام «تورک یوردو» (سرزمین ترک) نقش زیادی ایفا کرد (راشدی، ۱۳۹۲). گاسپرینسکی در سال ۱۹۱۴ به شدت بیمار شد و در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۴ در سن شصت و سه سالگی در منزلش در باغچه سرای درگذشت. او در جوار قبر منگلی گرای خان<sup>۳</sup> به خاک سپرده شد. وی از طرف مجله فرانسوی «بررسی دنیای مسلمانان»<sup>۴</sup> به سبب خدماتش در گسترش و رونق علم و فرهنگ برای دریافت جایزه بین‌المللی نوبل پیشنهاد شد (محمد امین‌اف، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

اسماعیل گاسپرینسکی در سال ۱۸۸۴ در باغچه سرای، اولین مدرسه نوین را ایجاد کرد. فعالیت خستگی‌ناپذیر گاسپرینسکی که زمانی حتی منشی ایوان تورگنوف در پاریس بود، به او اجازه داد تا اندیشه‌های خود را در میان اقوام مختلف ترک‌زبان روسیه گسترش دهد. او به مناطق مختلف کشور سفرهای زیادی کرد و روزنامه ترجمان را منتشر کرد که در سال ۱۸۸۵ اولین روزنامه ترکی - تاتاری روسیه شد. او همچنین تجربه ترکیه و سایر کشورهای اسلامی را

1. Unity in language, thought and action

2. Turkish forum

۳. منگلی گرای خان (Mengli Giray Khan) از خانان کریمه است که از نوادگان تغاتیمور پسر جوچی از فرزندان چنگیزخان مغول بودند که پس از تجزیه خانان اردوی زرین، حکومت خود در منطقه کریمه را آغاز کردند که کمتر از چهاردهه به صورت مستقل حکومت کردند؛ اما پس از آن بیش از سه سده زیر سلطه عثمانی بودند.

4. Ревю де монде мусалман

در زمینه بازسازی نظام آموزش بررسی کرد. در میان تاتارها، فعالیت روشنگرانهٔ مرجانی و ناصری طرفداری فزاینده‌ای پیدا می‌کرد. شهاب‌الدین مرجانی که عالم دینی، تاریخ‌دان و فیلسوف بود، همچنین به‌عنوان امام اولین مسجد جامع قازان خدمت می‌کرد. وی سپس محتسب این شهر یعنی مسئول نظارت بر رعایت موازین شرعی شد و در مدرسهٔ تربیت معلم قازان تدریس کرد. این دانشمند در آثار متعدد خود اندیشه‌های روشنگری و اصلاح‌طلبی دینی را گسترش داد و مبانی علم تاریخ تاتاری را پی‌ریزی کرد.

### اندیشه‌های گاسپرینسکی

اسماعیل بیگ گاسپرینسکی راه‌رهای مسلمانان از نبودی در جامعه روسیه را در نوشتن حیات اجتماعی آنان می‌دید. وی برای این مسئله مجموعه‌ای از اصول اصلاحی بیان کرد که این اصول مورد توجه و استقبال روشنفکران مسلمان قرار گرفت. مهم‌ترین مسئله از دیدگاه گاسپرینسکی موضوع آموزش و پرورش بود. محدودهٔ خواندن و نوشتن در بین مسلمان زیر سلطهٔ روسیه محدود بود. به‌گونه‌ای که تا اواخر سدهٔ نوزدهم، تحصیل‌کرده بودن به معنای آشنایی با خواندن و نوشتن باهدف ادای الزامات دینی بود و در مکتب‌ها که آموزش ابتدایی را بر عهده داشتند از برنامهٔ مشخص درسی خبری نبود. در مورد وضع مکتب‌ها و مدرسه‌ها بهبودی گفته: «ما ۷ الی ۸ سال در مکتب‌ها خوانده، نام خود را به زور نوشته، ده بیست سال در مدرسه‌ها تحصیل کرده، کلمه‌ای چند عربی گفت و گو کردن نمی‌توانیم» (مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۶: ۱۸).

گاسپرینسکی از اصول آموزش سنتی انتقاد و از ضرورت اصلاحات در نظام آموزشی دفاع می‌کرد. وی شیوهٔ جدیدی از آموزش کودکان باهدف خواندن مناسب به زبان مادری ایجاد کرد و اصلاحاتی مربوط به برنامهٔ تحصیلی به‌وجود آورد که این اصلاحات به اصول جدید معروف شد. وی به‌ویژه تأکید می‌کرد که برای آموزش خواندن و نوشتن، به‌جای هجی کردن بی‌قاعده، از شیوهٔ نوین آموزش الفبا براساس آوانگاری و درواقع همان شیوهٔ اصول صوتیه که در آن به‌جای حرف بر صدا تمرکز می‌کردند، استفاده شود. وی پس از زمینه‌سازی‌های لازم، نخستین مدرسهٔ اصول جدید را، برای اجرای نظریه‌های آموزشی خود، در سال ۱۸۸۴ در باغچه‌سرای تأسیس کرد. موسی جارالله (۱۹۴۹-۱۸۷۵)، از علمای اصلاح‌طلب روسیه، گشایش این مدرسه را سرآغاز جنبش جدیدی دانسته است (Khalid, 1998: 89). به‌هرحال، با گشایش مدرسهٔ اصول جدید گاسپرینسکی بود که اصول جدید به نهضت آموزشی تبدیل شد (رئیس‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۵۷-۷۴۰). محور طرح اصول جدید، روش آموزشی نوینی بود که برای جایگزینی روش سنتی آموزش مکتب‌خانه‌ای مطرح شده بود. گاسپرینسکی تلاش می‌کرد تا روش‌های جاری در دنیای غرب را برای پیشرفت مردم مشرق‌زمین در سرزمین مادری خویش بومی‌سازی کند. وی



که شخصاً درگیر تطبیق اصول جدید بود برای قبولاندن مدرسه نوین خود در درجه اول به مردم باغچه‌سرای که خواه‌ناخواه با تردید به آن نگاه می‌کردند از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. نظام اصول جدید در پرتوی فعالیت‌های گوناگون تبلیغی وی، از جمله سفرهایش به مناطق دوردست مسلمان‌نشین روسیه و تألیف کتاب‌های درسی مناسب، ترتیب‌دادن دوره‌های آموزش اصول جدید و چگونگی تدریس آن برای معلمان داوطلب و استفاده از روزنامه ترجمان، در اندک مدتی از باغچه‌سرای فراتر رفت. به‌گونه‌ای که شمار مدرسه‌های اصول جدید از یک‌صد تا در سال ۱۸۹۵ به پنج هزار در سال ۱۹۱۷ در سراسر روسیه افزایش یافت. حمایت و پیروی گروه‌هایی از علما و معلمان و اصناف و به‌ویژه برخی ثروتمندان نوگرای مسلمان، از عوامل پاگرفتن مدرسه‌های اصول جدید شمرده شده است. الکساندر بنیگسن و مری براکس‌آپ درباره این مدرسه‌ها می‌نویسند: مدرسه کوچکی که گاسپرینسکی در باغچه‌سرای بنیان نهاد، در سراسر جهان اسلام به‌عنوان نمونه مؤسسات آموزش نوین مورد توجه قرار گرفت (بنیگسن و براکس‌آپ، ۱۳۷۰: ۱۵۵). همچنین گفته شده است: «این برنامه درسی در سطح مکتب (که از نظر گاسپرینسکی این سطح بیشترین اهمیت را داشت) می‌بایست عناصر سنتی مسلمانان را نیز دربر می‌گرفت، قرآن، خطاطی، سنن اسلامی و نیز توانایی واقعی خواندن به عربی؛ اما ورای این موضوع‌ها، اسماعیل اعتقاد داشت که یک دانش‌آموز باید به مطالعه دستور زبان و ادبیات زبان مادری خود، تاریخ اسلام و جوامع اسلامی و نیز دیگر ادیان و جوامع، جغرافیا، ریاضی و دست‌کم علوم کافی برای تأثیرگذاری بر سبک زندگی خودش بپردازد» (Fisher, 1998: 29-47).

گاسپرینسکی رهبران اسلام را در عقب‌ماندگی مسلمانان مقصر می‌داند و از آن‌ها انتقاد می‌کند که ایده‌های مترقی را خفه کرده‌اند و اندیشه را در مسیری عجیب و غریب قرار داده و درها را به روی پژوهش علمی بسته‌اند. رحیم مسلمانیان قبادیانی در مورد نظر جدیدی‌ها در مورد اسلام می‌نویسد: «منظور از پایبندی به اسلام، نه دین برای دین، بلکه برای استفاده سودمندان از فضیلت‌های سازنده آن بوده است. جدیدی‌ها راه کنونی اسلام را در آن می‌دیدند که به دستاوردهای علم و تکنولوژی مترقی در انطباق با توصیه‌های اولیه دین اسلام دست یافت و واقعیت‌های کنونی را در نظر داشت. توان جدیدی‌ها بر این بوده که ارزش زندگی ساز اسلام را بشناسند و برای حفظ آن، همه تلاش خود را به کار گیرند. آن‌ها اسلام و داد و راستی را واسطه سازنده برای پیشرفت فرهنگی جامعه، رشد بازار و اقتصاد دانسته‌اند» (مسلمانیان قبادیانی، ۱۳۸۶: ۲۲).

وی تقابل با غرب را ممکن نمی‌داند؛ اما پیروی و تقلید تام از غرب را نیز نمی‌پذیرفت و از کسانی که خواستار تقلید از غرب بودند، انتقاد می‌کرد. وی در کتابی با عنوان «نگاهی نقادانه به مدنیت اروپا» چهره‌ای متفاوت با آن چیزی که در آن زمان در ذهن بیشتر مردم جهان

بود و اروپا را کعبه آمال خود و همان مدینه فاضله می دانستند، ارائه داد. به اعتقاد گاسپرینسکی تمدن اروپا از نظر اروپائیان تمدن همه مردم جهان است و همه اقوام جهان را به سوی خود جذب و وابسته می کند. وی این تمدن را یک شکل زندگی می داند که همه برای رشد آن تلاش می کنند و نویسندگان تاریخ، اهل سیاست و سایر نویسندگان همه به این مسئله معتقدند و به سختی از این اعتقاد دفاع می کنند. وی در مورد تلاش برای رواج فرهنگ اروپا می نویسد: «پارچه انگلیسی ها و شراب فرانسه و آبجو آلمان که در خارج از اروپا به هر طرف حمل و نقل می شود، هدف اصلیش منتشر کردن تمدن غربی است» (Gasprinskii, 1885: 181-182). از نظر وی تمدن اروپا منبع سعادت بشری نیست و برای همه انسان ها رفاه و آسایش تأمین نمی کند؛ زیرا شکل زندگی در آنجا این را نشان نمی دهد در دنیایی که پیشرفت علم چنان شده که آهن ها مانند روغن ذوب می شوند، فولادها مثل درخت قطعه قطعه می شوند، تلگراف و تلفن و مخابراتها و کشتی و راه آهن و حمل و نقل به تجارت خدمت می کنند تنها نتیجه اش بزرگ تر و بیشتر شدن تمدن اروپاست، همین و نه چیز دیگری. به بیان او: «اروپا پیری است که تجربه زیادی دارد. ما باید فرهنگ اروپا را خوب بررسی کنیم و بعد آن را بپذیریم. همان گونه که اسلاوها بر سر درست یا غلط بودن فرهنگ اروپا بحث می کنند و آن را به سختی می پذیرند، چرا ما مسلمانان آن را قبول می کنیم؟ چرا عالم اسلام راه دیگری را پیدا نمی کند؛ راهی غیر از راه تقلید از اروپا» (Gasprinskii, 1885: 158-182).

### آثار اندیشه گاسپرینسکی برای مسلمانان

گاسپرینسکی به عنوان کسی که بسیاری او را سردمدار جنبش جدیدی و نوگرایی در میان مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی می دانند؛ تأثیرهای بسیار زیادی بر اصلاح طلبی مسلمانان این مناطق داشت. در سال ۱۸۸۳ گاسپرینسکی فکر لزوم اصلاح مکتبها و مدرسه ها را به واسطه روزنامه ترجمان در بین مسلمانان انتشار داد و برای همه مردم چه عوام و چه تحصیل کرده ها وجوب اصلاح را با دلایل مختلف توضیح داد و آن را تبلیغ کرد. بنابراین از همین تاریخ انقلاب فکری و عملی در بین مسلمانان روسیه بروز کرد و رو به رشد نهاد (عینی، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۴۰).

در بیشتر مناطق مسلمان نشین زیر سلطه روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی مدرسه ها بر اساس اصول جدید گاسپرینسکی ساخته شد و در آنها غیر از علوم دینی علوم دیگری چون ریاضیات و جغرافیا و تاریخ و غیره نیز تدریس می شد. همچنین دانش های فنی نیز در برنامه آموزشی مدرسه ها گنجانده شد و با توجه به اینکه بیشتر مسلمانان زیر سلطه روسیه از شاخه های مختلف ترک بودند، آموزش به زبان ترکی صورت می گرفت و کتاب های درسی هم ترکی شد. دیگر اینکه پذیرش سیستم امتحان در برنامه درسی مدرسه ها از نشانه های بالارفتن

سطح کیفیت آموزش بود. در همین رابطه وضع فیزیکی و ظاهری ساختمان‌ها اصلاح شد و کتاب‌های درسی باکیفیت و مفید تولید شد. کلاس‌های درسی و سطوح آموزشی از یکدیگر جدا شد و سال تحصیلی به دو بخش تقسیم شد (عینی، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۴۲). با توجه به تلاش‌های گاسپرینسکی و طرح وی، تا سال ۱۹۱۶ تعداد مدرسه‌های نوینی که بر اساس اصول جدید وی ساخته شدند، بیش از ۵۰۰۰ مدرسه بود و نیز ساخت چنین مدرسه‌های در اولویت برنامه‌های طرفداران اصلاحات و نوگرایان قرار گرفت.

گاسپرینسکی در زمینه حقوق زنان و اعطای آزادی برای رشد و پیشرفت آنان بسیار تلاش کرد. وی را می‌توان نخستین کسی دانست که موضوع حق و حقوق زنان را در جامعه مسلمانان روسیه به چالش کشید و شکل رفتار با آنان را خلاف قرآن و سنت پیامبر خواند. وی در ده‌ها شماره از روزنامه ترجمان به مسئله زنان پرداخت تا دیدگاه‌های سنتی در مورد زنان را عوض کند. وی در این زمینه توانست با همکاری هم‌فکرانش برای دختران براساس روش نوین آموزش، مدرسه تأسیس کند. همچنین این امکان برای ملاباجی‌های مدرسه‌ها دخترانه که سواد خوبی نداشتند فراهم شد تا آموزش ببینند و باسواد شوند. بسیاری از زنان تحصیل‌کرده تاتار در کار نویسندگی و مطبوعاتی به فعالیت پرداختند و برای مجله‌ها و روزنامه‌ها مقاله می‌نوشتند. این حضور در جامعه به حدی رسید که در پنجمین کنگره مسلمانان روسیه که در مسکو برگزار شد، ۱۱۲ نفر از نمایندگانی که حضور داشتند زن بودند.

گاسپرینسکی آثار خود را به زبانی ساده و قابل فهم برای بیشتر متکلمان به زبان ترکی می‌نوشت و از آموزش زبان روسی و فرستادن دانش‌آموزان و دانشجویان مسلمان برای ادامه تحصیل به مدرسه‌های روسی و دانشگاه‌های اروپایی دفاع می‌کرد. موسی جارالله بیگی که یکی از مهم‌ترین اصلاح‌طلبان جنبش جدیدی و به گفته رحیم رئیس‌نیا، سرشناس‌ترین آن‌ها است، گاسپرینسکی را فردی که در ارتقای جایگاه ترکان و شناسایی آن‌ها در بین دیگر ملت‌ها نقش بسیار بارزی داشته است معرفی می‌کند (رئیس‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۰۴). رضاءالدین فخرالدین نیز در مورد اهمیت گاسپرینسکی در میان مسلمانان روسیه و تأثیرگذاری وی در میان آن‌ها می‌نویسد: «اسماعیل بیگی، کسی است که تمام توجه خود را به مسائل انسانی در جهان متمرکز کرده بود. او آقای ما و رهبر ماست. او به ما برای رشد و تعالی و رسیدن به آینده‌ای روشن درس‌های لازم را داده است. او نقطه آغازی برای گسترش آموزش و پیشرفت ما بود. تا قبل از گاسپرینسکی هیچ مسلمانی این قدر در زندگی مردم نقش نداشته است. او برای رفاه مردم و گسترش آموزش و پرورش نوین، بسیار به مردم ما کمک کرده است. او تمام انرژی خود را برای بهره‌مندی مردم خود از دانش صرف کرد. او یکی از بزرگ‌ترین هدیه‌های خداوند به مسلمانان بود. کارهای گاسپرینسکی راهنمای ما شده است. در پیدا کردن مسیر پیشرفت، وی در برابر سیاست‌های اشتباه به ما هشدار داد و بر برنامه‌ریزی برای آینده کشورمان تأکید کرد. ما

در مرگ اسماعیل بیگ بسیار غمگین و اندوهگین هستیم و این را یک فاجعه بزرگ می‌دانیم» (Rizaeddin Kadi Fahreddin, 1914).

با نگاهی دقیق به نوشته‌های متفکران قفقازی به‌خوبی می‌توان به جایگاه گاسپرینسکی در نزد مسلمانان روسیه در آن دوران و تأثیرهای انکارناپذیر وی پی برد. گاسپرینسکی در زمان حیاتش از سوی مسلمانان ترک «پدر ملت» نامیده می‌شد که با توجه به تلاش‌های زیاد وی در روشننگری مسلمانان و بیداری آنان لقب بی‌جا و غیرمعقولی نیست و اگر رضاءالدین فخرالدین مرگ وی را یک فاجعه برای مسلمانان [زیر سلطه روسیه] می‌داند بی‌راه نگفته است. تلاش‌های گاسپرینسکی سبب ایجاد یک دگرگونی ریشه‌ای در تفکر تاتارهای کریمه بود. کریمه دیگر جایی نبود که مهاجران کریمه که در جست‌وجوی زندگی در «آق‌توپراک» (شهری واقع در امپراتوری عثمانی) بودند، بخواهند آن را ترک کنند. کریمه تنها میراث پدری تمام تاتارها بود. مردمی با میراث غنی که به دوران خانان کریمه برمی‌گشتند، دوره‌ای که برای آنان نمادهای ملی‌شان را مهیا ساخت. در این مورد، گاسپرینسکی را می‌توان، پدر نسل تاتارگرای کریمه معرفی کرد که ایده‌های خود را از پیشرفت طبیعی آنان گرفت و رؤیای بزرگ‌نمای خود برای ساختن یک ملت قومی ترک که از سین‌کیانگ تا روم‌ایلی را باهدف ساختن یک ملت ماندگارتر در وطن کریمه به‌کار بست. در واقع، در این زمینه، گاسپرینسکی را می‌توان پدر ناخواسته ملت تاتار کریمه دانست (Fisher, 1998: 29-47).

نهضت جدیدها هم‌زمان با شکل‌گیری آن در مناطق تاتارنشین، در بین مسلمانان قفقاز و آسیای مرکزی هم باوجود محدودیت‌های استعماری و تحت تأثیر پیشرفت اجتماعی - اقتصادی، شکل گرفت. تحصیل‌کردگان مدرسه‌های روسی، به‌جای ابراز وفاداری به رژیم حاکم، در جست‌وجوی علت‌های عقب‌ماندگی خویش، از عملکرد دولت استیلاگر انتقاد کردند، روشنفکران نوپدید، در پرتوی تحصیل در مدرسه‌ها و دانشگاه‌های روسیه و عثمانی و اروپا و بیشتر به‌واسطه زبان روسی، امکان آشنایی غیرمستقیم و مستقیم با تمدن غربی را کم‌وبیش پیدا کردند. آن‌ها باوجود مقاومت سنت‌گرایان، با برخورداری از ضرورت‌های اجتماعی نوینی که تمام مناسبات و شئون جامعه را دست‌خوش تحول ساخته بود، پیش رفتند. افزون بر مدرسه‌های جدید، ابزارهای تازه‌ای مانند نمایش، جراید، انواع جدید ادبی و نشر کتاب و تأسیس کتابخانه و قرائت‌خانه را به‌کار گرفتند. بدین ترتیب، دامنه نوگرایی بیش از پیش گسترش یافت و ابعاد فرهنگی گسترده‌تری را در بر گرفت و این روند در سال‌های نخستین سده بیستم سرعت یافت.

در سال ۲۰۱۱ یک کنفرانس علمی - عملی با عنوان «اسماعیل گاسپرینسکی و آغاز وحدت مسلمانان» به مناسبت صدوشصتمین سالگرد تولد وی در مسکو برگزار شد. در این مراسم دانشمندی از مسکو، قازان، اوف، نیژنی نووگراد، اورنبورگ، یکاترینبورگ و کریمه حضور

داشتند. این دانشمندان در سخنرانی‌های خود درباره جنبه‌های مختلف زندگی و آثار گاسپرینسکی و تأثیر او بر جریان‌های به‌وجودآمده در تمام مناطق مسلمان‌نشین امپراتوری روسیه صحبت کردند و خواستار توجه دوباره به افکار و آثار گاسپرینسکی شدند. تمامی شرکت‌کنندگان این کنفرانس علمی در مورد اهمیت افکار و سخنان گاسپرینسکی در پایان سده نوزدهم صحبت کردند. مفتی راویل عین‌الدین، رئیس شورای مفتیان روسیه، در نطق اختتامیه خود گفت: «امروز امت مسلمان روسیه بسیار نیازمند استفاده از نظریه «مسلمانان روسی» گاسپرینسکی، لزوم وحدت و یکپارچگی مسلمانان روسیه و رویکرد نوگرایانه این اندیشمند به سیستم آموزش اسلامی است» (وبگاه رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران- مسکو، ۱۳۹۰).

### نتیجه

با نوشدن کشورهای اروپایی و پیشرفت آن‌ها در زمینه‌های مختلف صنعتی، بازرگانی، تجارت و سیاست و در سده‌های نوزدهم و بیستم سایر کشورهای جهان نیز برای عقب‌نماندن از تمدن اروپایی حرکت کردند. در این زمان در سراسر جهان اسلام نیز گرایش به تمدن اروپایی و نوگرایی سبب ایجاد یک سیر نوخواهی و نوگرایی شد. در ایران، عثمانی و هند اندیشمندان مسلمان به فکر حفظ هویت اسلامی خویش و پیشرفت افتادند. به‌تبع سایر مناطق جهان اسلام، یک سیر نوخواهی و اصلاح‌طلبی در میان مسلمانان روسیه نیز به راه افتاد که ویژگی‌های خاص خودش را داشت. این سیر به‌صورت جنبشی به‌نام جدیدی ظهور کرد و گسترش یافت. این جنبش در میان یک قشر روشنفکر در ولگای میانی و قفقاز شروع شد و کم‌کم به سایر مناطق مسلمان‌نشین زیر سلطه روسیه هم راه یافت. در این دوره، توسعه‌طلبی روس‌ها به‌وسیله الکساندر اول و نیکلای اول، همچنان ادامه پیدا کرد و مناطق جدیدی از اوراسیای مرکزی و قفقاز به روسیه پیوسته شد؛ بنابراین این کشور به یک امپراتوری گسترده تبدیل شد. روسیه با سایر قدرت‌های اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه) در رقابت و با دولت عثمانی هم دائم درگیر جنگ بود. هم‌زمان که اندیشه‌های ملی‌گرایی در همه جای دنیا به‌شدت در حال گسترش بود، اندیشه‌های روس‌گرایانه نیز در میان مردم روسیه گسترش یافت. این موضوع نوعی رویارویی در برابر اقوام مسلمان بیشتر ترک‌زبان زیر سلطه روسیه را دامن می‌زد. از سویی هم، سلطه روس‌ها سبب تماس بیشتر مردم زیر سلطه با آن‌ها و بنابراین بالارفتن سطح دانش‌های نوین و تعمیم آموزش و سواد و ورود نوگرایی به این مناطق بود. جریان مستحیل‌کردن تاتارها و مسلمانان در جامعه روس که پس از استیلای روس‌ها بر منطقه‌های مورد اشاره آغاز شده بود، وارد مرحله جدیدی شد و همچنان ادامه یافت. در نتیجه این وضعیت جامعه مسلمان روسیه به این موضوع واکنش نشان داد و جنبشی را به راه انداخت. این جنبش باهدف اصلاح و نوسازی شیوه زندگی اسلامی در میان رعایای مسلمان روسیه ظهور کرد.

اسماعیل گاسپرینسکی از پیشگامان این جنبش نوحواهی و نوگرایی در میان مسلمانان زیر سلطه روسیه بود که خواستار گرفتن تمدن جدید اروپایی در عین حفظ هویت اسلامی خویش بود. وی در بسیاری از دانشنامه‌ها به‌عنوان سردمدار نهضت نوحواهی و نوشدگی در میان مسلمانان روسیه که به جدیدی معروف است، شناخته شده است. قبل از وی نیز کسانی چون ابونصر کرسوی و شهاب‌الدین مرجانی هم خواستار نوشدن بودند و در این راه سختی‌های زیادی تحمل کردند. گاسپرینسکی در واقع پیروی راهی بود که آنان به‌صورت نظری آغاز کرده بودند. وی تلاش کرد تا اندیشه‌هایش را که ویژگی آشکار آن‌ها نوحواهی و نوشدگی بود را به مرحله عمل درآورد. گاسپرینسکی در ابتدای فعالیت‌هایش در نوشته‌های گوناگون مشکلات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی مسلمانان زیر سلطه روسیه را منعکس کرد. او تلاش کرد تا ضرورت انجام اصلاحات و تغییر نگاه سنتی به مسائل و مشکلات مسلمانان و تلاش برای پیشرفت مسلمانان را در میان قشر روشنفکر و تحصیل‌کرده جامعه جا بیندازد. وی برای موفقیت در برنامه‌هایش تلاش کرد تا مخالفت و دشمنی علمای مذهبی را برنیانگیزد. او به‌شکل بسیار احتیاط‌آمیز و سنجیده در روزنامه‌اش، افکار و عقایدش را بیان می‌کرد. بیشتر تلاش وی، آگاه‌سازی مسلمانان سراسر روسیه از دنیای نو و هویتشان و آماده‌سازی زمینه فرهنگی لازم برای اتحاد و ترقی آنان بود. بنابراین ضمن طرح شعار اتحاد در زبان، اندیشه و عمل، از همان سال‌های نخست انتشار روزنامه ترجمان از لزوم پی‌ریزی زبان ادبی جدیدی که همه ترک‌زبانان آن را بفهمند دفاع می‌کرد.

تأثیر اندیشه‌های گاسپرینسکی در میان مسلمانان انکارناپذیر است؛ زیرا این تأثیر به‌خوبی در نوشته‌های معاصران گاسپرینسکی مانند رضاء‌الدین فخرالدین - که تمام مردم مسلمان را مدیون گاسپرینسکی و ایده‌های او می‌دانست - و یوسف آقچورا و سایرین به روشنی پیدا است. اندیشه‌های گاسپرینسکی در مورد حقوق برابری و آزادی زنان راه را برای ورود آنان به جامعه باز کرد، حال آنکه قبل از خط‌شکنی گاسپرینسکی حتی آموزش نوشتن برای دختران ناپسند بود. همچنین گاسپرینسکی با فعالیت‌های فراوان و سفرهای زیادش در روش آموزش مسلمانان تحولات عمده‌ای ایجاد کرد و توانست با شیوه جدید آموزش خود، راه را برای ورود درس‌های دنیوی به مدرسه‌ها باز کند. گاسپرینسکی با ایجاد مدرسه‌ای براساس روش‌های جاری در اروپا یک نمونه مدرسه پیشرفته را به‌صورت الگو در آورد که مورد توجه سایر مسلمانان قرار گرفت و با الهام‌گرفتن از آن، مدرسه‌هایی در میان مسلمانان ساخته شد. تلاش‌های هویتی گاسپرینسکی برای متحدکردن اقوام ترک مسلمان زیر سلطه روسیه و حتی سایر مناطق جهان حول محور زبان ترکی واحد که این موضوع در روزنامه وی در قالب شعار «زبان واحد، اندیشه واحد و عمل واحد»، پیوسته تبلیغ می‌شد تا حدود زیادی در پیدایش و رشد پان‌ترک‌گرایی تأثیر گذاشت.

## منابع

## الف) فارسی

۱. بنیگسن، الکساندر و مری براکس آپ (۱۳۷۰)، *مسلمانان شوروی گذشته حال آینده*، ترجمه کاوه بیات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. راشدی، حسن (۱۳۹۲)، «مروری بر زندگی و فعالیت ادبی-اجتماعی و سیاسی اسماعیل بیک قاسپیرالی نخستین اندیشمند ناسیونالیست جهان تورک» [www.far.baybak.com](http://www.far.baybak.com)، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۳/۱).
۳. رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۹)، «جدیدها (نهضت جدیدیه)»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۹، صص ۷۴۰-۷۵۷.
۴. رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۷)، «جراید مسلمانان روسیه و تاتارستان»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۰، صص ۱۳۹-۱۲۹.
۵. عینی، صدرالدین (۱۳۸۱)، *تاریخ انقلاب فکری در بخارا*، تهران: انتشارات سروش.
۶. محمدمین‌اف، عبدالحی (۱۳۸۶)، «اسماعیل بیک غسپیرالی و ادیبان تاجیک»، *رودکی (فصلنامه راینی فرهنگی ج.۱. ایران در تاجیکستان)*، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۱۶۷-۱۵۷.
۷. مسلمانیان قبادیانی، رحیم (۱۳۸۶)، «نهضت جدیدیه در بخارا»، *کتاب ماه ادبیات*، دوره ۱۰، شماره ۹، صص ۲۲-۳۲.
۸. وبگاه راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مسکو (۱۳۹۰)، «بزرگداشت اسماعیل گاسپیرینسکی»، <http://moscow.icro.ir/index.aspx?siteid=121&pageid=11611&newsview=564835>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۴/۶).

## ب) انگلیسی

1. Bowman, Inci (2014), "Ismail Bey Gaspirali (1851-1914)", **Official Website for Gaspirali**, Available at: <http://www.iccrimea.org/gaspirali/gasptimeline.html>, (Accessed on: 20/10/2013).
2. **Encyclopedia Iranica** (2008), "Jadidism", Available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/jadidism>, (Accessed on: 15/9/2012).
3. Fisher, Alen W. (1998), "A Model Leader for Asia, Ismail Gaspirali", in: Edward A. Allworth (ed.), **The Tatars of Crimea: Return to the Homeland**, 1988, Durham, NC: Duke University Press, pp. 29-47, Available at: <http://www.iccrimea.org/gaspirali/fisher.html>, (Accessed on: 25/10/2013).
4. Kaldybekovich, Bazarbayev Kanat (2013), "Tursun Hazret and Sadykova Raikhan, Jadidism as an Educational System and a Political Movement in Turkestan (Central Asia)", **International Education Studies**, Vol. 6, No. 1, pp. 85-94.

5. Khalid, Adeeb (1998), **The Politics of Muslim Cultural Reform, Jadidism in Central Asia**, Berkeley: University of California Press.
6. Lazzerini, Edward J. (1992), "Ismail Bey Gasprinskii's Perevodchik/Tercüman: A Clarion of Modernism", in: H. B. Paksoy (ed.), **Central Asian Monuments**, Istanbul: Isis Press, pp. 143-156.
7. Rizaeddin Kadi Fahreddin (1914), "Ismail Bey Gasprinski, 1851-1914", **Shura**, No. 21, pp. 641-644, Available at: <http://www.iccrimea.org/gaspirali/fahreddin.html>, (Accessed on: 5/6/2017).
8. Togan, Z. V. (1991), "Gasprinski Ismail", **Enciklopedia of Islam**, Vol. 2, pp. 979-981.

### ج) ترکی

1. Gasprinskii, Ismail Bey (1885), **Avrupa Medeniyetine Bir Nazar-ı Muvazene**, Konstantiniye [İstanbul]: Matbaa-I Ebizziya.
2. Gasprinskii, Ismail Bey, (1903), **Bizlard Lisan ve Meslek-i Umumi Olabilir mi ya Yok?**, Konstantiniye [İstanbul]: Matbaa-I Ebizziy.

### د) روسی

1. Азат, Ахунов (2002), "Не просто Джадидизм-Жадидлар Харакати", **Official Website for Gaspirali**, Available at: <http://fazio.club/k/301.php>, (Accessed on: 18/10/2013).